

بررسی آیین حنابندان از دیرباز تاکنون (مطالعه اسنادی ۱۰ منطقه در ایران)

جلال‌الدین رفیع فر^{*۱} خدیجه کماللو^۲

(تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۹، تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۲۰)

چکیده

حنا گیاهی است با جاذبه‌های دوگانه طبیعی شامل رنگ زیبا و خواص کم‌نظیر که در بین بیشتر اقوام و ملل محبوبیت و کاربرد دارد. این گیاه افزون‌بر داشتن خواص دارویی-زیستی، یکی از مواد پرکاربرد در جشن‌ها و آیین‌های خانوادگی و قومی است. یکی از موارد استعمال حنا در جشن حنابندان است که ریشه در تاریخ کهن ایران دارد. از سده‌های پیشین تاکنون این جشن به سبب وجود خرده‌فرهنگ‌ها و موقعیت‌های جغرافیایی، در قسمت‌های مختلف ایران با آیین‌های ویژه‌ای برگزار می‌شود. بسیاری از این آیین‌ها ریشه-های مشترک و شیوه‌های اجرایی یکسانی دارند و برخی دیگر با وجود ریشه‌های مشترک، با شیوه‌های متفاوتی برگزار می‌شوند. در این تحقیق با روش اسنادی و با مطالعه کتاب‌ها و مقالاتی که درباره آیین نمادین حنا و دیگر کاربردهای آن در فرهنگ مردم ایران نوشته

* jraffifar@ut.ac.ir

۱. استاد مردم‌شناسی دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد مردم‌شناسی

شده، به مقایسه آیین‌های حنابندان در ۱۰ منطقه ایران پرداخته شده و درنهایت، به کمک نظریه‌های کارکردگرایی و اشاعه فرهنگی نتایج نهایی به دست آمده است.

واژه‌های کلیدی: حنابندان، کاربردهای حنا، ازدواج، سفرنامه‌ها، اشاعه‌گرایی، کارکردگرایی.

۱. مقدمه

آیین حنابندان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی است که از گذشته تاکنون در ایران اهمیت دارد. آیین‌ها و مناسک سرشار از نمادها و نشانه‌ها هستند و در اساس، رمزی، نمادین و هنری تلقی می‌شوند. در این خصوص هر عمل آیینی به‌مثابه جلوه‌ای از اندیشه‌های بنیادین انسان است که در قالب رمز، آشکارکننده جوهره‌های پنهان اوست. حرکات موزون، موسیقی، ضرب‌آهنگ و ریتم، آداب و قواعد پوشش و برخی خوراکی‌ها از ارکان اجتناب‌ناپذیر مناسک و آیین‌ها هستند. آیین‌ها بهترین انگیزه برای برپایی اجتماعات انسانی هستند و از این‌رو، مشارکت مردمی را در پی دارند. آداب و مناسک - که تقویت حس معنوی مهم‌ترین هدف آنهاست - عرصه‌ای عمومی برای ایجاد وحدت و همدلی هستند، نشانه‌های قدیم و جدید را با هم در دل خود دارند، کهنگی‌ناپذیرند و تجلی دوباره زندگی به‌شمار می‌روند. آیین‌ها به‌طور معمول با توجه به شکل برگزاری و محتوایشان نیازمند مکانی خاص برای برگزاری هستند.

در فرهنگ مردم ایران حنا یکی از گیاهان بسیار مقدس شمرده می‌شود. آنچه موجب شده به این گیاه توجه شود، ارزش مذهبی آن است و بنا بر گفته برخی از محققان، تمام گیاهانی که امروزه کشت می‌شوند، در گذشته گیاهان مقدس تلقی می‌شده‌اند (الیاده، ۱۳۷۵: ۱۱۱). ازدواج با گذار از یک گروه اجتماعی - مذهبی به گروه دیگر صورت می‌گیرد. دختر و پسر جوان، گروه مجردان را ترک می‌کنند و از آن پس جزئی از گروه سالاری‌هایی خانواده‌ها می‌شوند. هر ازدواجی با فشار و خطری همراه است و بحرانی را به‌سرعت تسریع می‌کند، از این‌رو، با آیین گذار اجرا می‌شود (همان، ۱۳۷).

شناسایی فرهنگ‌ها در تمام ابعاد و جنبه‌های آن (مانند زبان‌ها، دانش‌های بومی، هنرها، ادبیات شفاهی، ارزش‌ها و نمادها و ...)، تنوعات قومی در اشکال متعدد زیستی (سنتی و مدرن)، دغدغه‌های انسان‌ها با ورود تکنولوژی، جلوگیری از دگرگونی شیوه‌های زندگی با توجه به ارزش‌ها، حفظ، آگاهی و تعمق ویژگی‌های قومی پیشینیان و در کنار آن زیبایی‌های افزون ارزش‌ها، بیش‌ازپیش در مراسم و آیین‌ها نمود می‌یابد. از سویی دیگر، مطالعه رفتار اجتماعی، آداب و رسوم و عقاید، بینش همبستگی و همیاری اجتماعی، با نام‌های مختلف، اما با ضوابط و مناسک مشخص در تمام نقاط ایران، هویت فرهنگی و اجتماعی اقوام را به گونه‌ای خاص در طول زمان در پی داشته است؛ تا بدانجا که انجام آداب و رسوم هر جامعه‌ای برای افراد آن به صورت عادت در آمده است و خرسندی خود را در گرو انجام دادن آن‌ها می‌دانند و برای کسانی که از این آیین‌ها سرپیچی کنند، براساس میزان عمومیت و اهمیت آن‌ها بازدارنده‌هایی در نظر می‌گیرند. از این رو، معاشرت افراد جامعه‌ای با جامعه دیگر - که آداب و رسوم متفاوتی دارند - با دشواری صورت می‌گیرد و در برخی موارد مشکلاتی را به وجود می‌آورد (رجبی و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۲۴).

۲. پیشینه بحث

در این پژوهش بسیاری از منابع فارسی و انگلیسی از جمله سفرنامه‌ها و آثاری که در زمینه فرهنگ مردم و طب سنتی تألیف شده، بررسی و مطالعه شده است (ر.ک: منابع پایانی). در این آثار به شکلی گذرا به حنا و موارد کاربرد آن اشاره شده است. مقاله حاضر، کاری نو است که به گونه‌ای مستقل به آیین حنابندان می‌پردازد.

۳. کلیات و مفاهیم کاربردی

۳-۱. آیین حنابندان

یکی از مهم‌ترین آیین‌های ازدواج، جشن حنابندان است که با ساز و آواز و رقص‌های دسته‌جمعی برگزار می‌شود. در این جشن ایرانیان به صورت رسمی یا خصوصی (برای مثال دادن کارت تبریک و هدایا ...) به یکدیگر تبریک می‌گویند. ایرانیان در طول

ملاقات‌های جشن با عباراتی همانند: مبارکه، به پای هم پیر شوند، تبریک عرض می‌کنم، ان شاء ... خوشبخت شوند، و ... به هم تبریک می‌گفتند. برپایی این جشن ریشه در تاریخ دارد. در روزگاران نه‌چندان دور در شب حنابندان، حنا دور تا دور مراسم گردانده می‌شد و زنان شرکت‌کننده دستانشان را با آغشتن به ظرف حنا رنگ می‌کردند. این آیین همچنان در روستاها و شهرهای کوچک ایران پابرجاست.

«حنابندان» یا «حنابندی» جشنی بود که هنگام حنابستن عروس برپا می‌شد. حنابستن به دو شکل انجام می‌گرفت. حنا بیشتر در حمام بسته می‌شد. در این حال گرد حنا را با آب مخلوط می‌کردند و خمیری از آن می‌ساختند و به مو و بدن می‌مالیدند و برای آنکه بهتر رنگ بدهد از خشک شدن آن جلوگیری می‌کردند و به آن آب می‌زدند. این حنا پس از مدتی ماندن بر بدن یا مو، رنگ می‌داد و بعد آن را می‌شستند. گاهی برای آنکه حنا بهتر رنگ بدهد، قبل از حمام در خانه حنا می‌بستند که البته این روش درباره موی سر کاربرد داشت. روی حنا را با برگ گردو- که خود رنگ می‌داد- می‌پوشاندند و روی آن را با پارچه‌ای- که حنابند نام داشت- می‌بستند و پس از چند ساعت که موها خوب رنگ می‌گرفت به حمام رفته آن را می‌شستند (شاملو، ۱۳۷۶: ۱۳۸۱). «حنا در بسیاری از جوامع یک عنصر زیبایی برای تزیین دست و پا، مخصوصاً دست و پای عروس با طرح‌های پیچیده به شمار می‌آید و این باور که حنا، شادی و خوش‌شانسی به ارمغان می‌آورد رایج است» (monger, 2004: 150). حنا عنصر بسیار مهمی است که به فراوانی در عطاری‌ها و مغازه‌های فروش گیاهان دارویی یافت می‌شود و خانواده داماد قبل از برگزاری آیین حنابندان آن را تهیه می‌کنند و به نوعی آن را شگون می‌دانند.

۲-۳. سیر تاریخی آیین حنابندان در سفرنامه‌ها

سفرنامه‌های سیاحان خارجی بازنویسی تاریخ ملت ایران با تمامی جزئیات مکان‌ها، ویژگی‌های فرهنگی، مراسم مختلف، وقایع و ... است که در بسیاری از آن‌ها مراسم حنابندان توصیف شده است. به برخی از این سفرنامه‌ها اشاره می‌شود:

۱-۲-۳. پیتر و دلاواله (دوره صفویه)

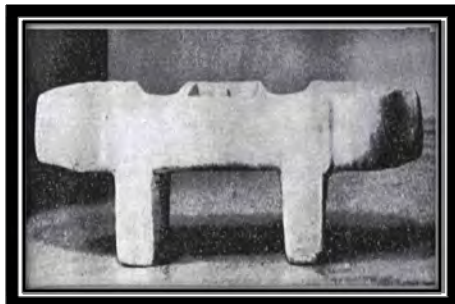
دلاواله در توصیف کاربرد حنا در ایران می‌گوید:

رنگ کردن دست‌ها با حنا به اصطلاح حنابندان می‌گویند و با این ماده که برگ خشک و گردشده گیاهی است تمام کف دست و پشت آن را تا مچ رنگ می‌کنند و احياناً نقش‌های مختلفی بر روی آن می‌اندازند و معتقدند که رنگ این ماده دست را زیبا می‌کند و از اثر صدمات وارده بر آن می‌کاهد. با حنا، مو و سایر نقاط بدن را نیز رنگ می‌کنند و در مشرق‌زمین این عمل نشان زیبایی و در عین حال علامت خوشحالی و نشاط است. ناگفته نماند که از یک قرن پیش به این طرف رغبت و تمایل زنان و مردان به بستن حنا به سر و ریش رو به کاهش نهاده و مخصوصاً در روزگار ما زنان از رنگ‌های گوناگون فرنگی برای خودآرایی استفاده می‌کنند (راوندی، ۱۳۷۱: ۳۰۱).

۲-۲-۳. هانری رنه دالمانی (دوره قاجاریه)

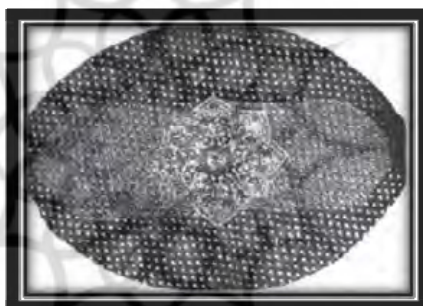
به گفته دالمانی (۱۳۳۵: ۶۳۴):

زنان در حمام قسمت زیادی از وقت خود را صرف رنگ‌کردن گیسوان و ابروان و کف پا و سرانگشتان می‌کنند و با حنا آن‌ها را به رنگ نارنجی در می‌آورند. گاهی هم با حنا اشکال غریبی مانند درختان و حیوانات و ستاره‌ها در روی بدن خود نقاشی می‌کنند. این تزیینات در زیر لباس پنهان نمی‌ماند؛ زیرا که پیراهن آن‌ها طوری است که سینه و قسمتی از شکم را نمی‌پوشاند. «در آخرین روز، عروس با هم‌بازی‌هایش به حمام می‌رود به این مناسبت، داماد برای او مقداری حنا برای رنگ‌کردن مو و ناخن‌ها می‌فرستد. داماد نیز که در معیت دوستان خویش است، به حمام می‌رود» (مهرآبادی، ۱۳۷۰: ۱۸۳).



تصویر ۲: زیرپایی حنابندان از زاویه بالا

تصویر ۱: زیرپایی حنابندان^۱ از زاویه روبه‌رو



تصویر ۳: حنابند^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز تحقیقات علوم انسانی

۳-۲-۳. فرد ریچاردز (اواخر عهد قاجاریه)

وی در وصف عروسی در ایران می‌نویسد:

فقط در شب عروسی است که پدر و مادر به شوهر اجازه می‌دهند تا همسر خود را برای اولین بار ببیند و سلیقه پدر و مادر خود را بستاید، در بعضی موارد داماد از حیرت شاخ درمی‌آورد. این روزها بین پیرمردهای ریش‌حنایی بازار افسانه‌های عجیبی شایع است و می‌گویند پسرهایی که به مدرسه می‌روند و در کلاس‌های بالا

تحصیل می‌کنند مانند سابق مطیع و حرف‌شنو نیستند، در مدرسه‌ها باشگاه‌هایی تشکیل داده‌اند و اعضای این جمعیت‌های مخفی سوگند یاد کرده‌اند که قبل از دیدن زن خود، او را به همسری قبول نکنند. پیرمردان در حالی که انگشتان خود را در میان ریش‌های مسی‌رنگ خود فرو می‌برند، سر را تکان می‌دهند و متحیرند که کار دنیا به کجا خواهد کشید (راوندی، ۱۳۷۱: ۲۷۹).

به گفته ریچاردز رسم حنابستن سر و ریش و سبیل، دست و پا و ناخن‌ها از دیرباز تا حدود نیم قرن پیش سخت متداول و معمول بوده است، به‌خصوص مردم میانه‌حال و بازاریان به این سنت دلبستگی فراوان داشتند. با نفوذ تمدن جدید این قبیل سنن و عادات رو به فراموشی رفت. در دوره زندگی و قاجاریه نیز با پیروی از سنن دیرین، زنان و مردان به آرایش خود علاقه و دلبستگی نشان می‌دادند. حتی با آغاز حکومت پهلوی بسیاری از مردان موی سفید سر و ریش خود را با رنگ و حنا می‌آراستند و به رنگ مشکی یا زرد یا قرمز درمی‌آوردند و به ناخن‌ها و کف دست و پای خود حنا می‌بستند و معتقد بودند که با این کار نه تنها بر حسن و جمال خویش افزوده‌اند، بلکه به سلامتی خود نیز کمک کرده‌اند (همان، ۳۰۱-۳۰۲).

۳-۲-۴. اُلتاریوس (دوره شاه صفی)

وی می‌نویسد:

روز بعد از شب زفاف، داماد به حمام می‌رود و یا اینکه اگر تابستان باشد، در نهر و یا جوی آب، بدن خود را می‌شوید. ولی عروس از خانه خارج نشده و در همان جا حمام می‌کند. در شب آن روز هم حنابندان انجام می‌شود و به هر میهمانی، دستمال کوچکی می‌دهند و داخل هر دستمال دو تا سه قاشق حنا می‌ریزند و میهمان باید حنا را به منزل برده و به دست خود بمالد. بعد از آن میهمانان، هدایای خود را نسبت به توانایی به عروس و داماد می‌دهند (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۱۶۱).

۳-۲-۵. کارلاسرنا (دوره ناصرالدین شاه)

سرنا (۱۳۶۲: ۲۶۱-۲۵۹) در توصیف مراسم عروسی در رودبار منجیل می‌گوید:

مراسم جشن‌های عروسی، معمولاً از سه روز تا چند هفته- بسته به موقعیت خانوادگی عروس و داماد- ادامه می‌یابد. روز اول عروسی، دختران جوان- که از خویشان یا دوستان عروس‌اند- از جانب نامزد برای رنگ‌کردن موها و دست و پا، مقداری حنا برای عروس می‌آورند و او را به‌طور دسته‌جمعی تا داخل حمام همراهی می‌کنند. فردای آن روز (حنابندان)، هدیه داماد به عروس فرستاده می‌شود. مراسم جشن و سرور با آمدن عروس به خانه داماد، پایان می‌یابد. خال‌کوبی آبی‌رنگ روی بازوان و پاها، میان زنان طبقه متوسط در عروسی بسیار رایج بود. آن‌ها کودکان خویش را از سنین پایین، با سوزن‌هایی که در دوده نفت خام، سیاه شده بود، خال‌کوبی می‌کردند. مدعوین به افتخار من رقص‌هایی اجرا کردند که با حرکت کم‌ویش ظریفانه دست و پا همراه بود. آنان به من شیرینی تعارف کردند که حتماً باید در عروسی به مقدار کافی باشد و آن را با خوانچه‌های بزرگ و به همراه تشریفات به خانه داماد می‌برند.

۳-۳. بررسی آیین حنابندان با استفاده از دو نظریه کارکردگرایی و اشاعه‌گرایی

۳-۳-۱. نظریه کارکردگرایی

ژرژگورویچ، جامعه‌شناس فرانسوی، معتقد است کارکردگرایی به نقش، وظیفه و کار هر یک از اجزاء و رابطه هماهنگ آن‌ها با یکدیگر توجه دارد؛ به عبارت دیگر «فونکسیون» عبارت از کارکرد و نقش است که یک پدیده در هر نظام به عهده دارد. همبستگی عناصر به یکدیگر با اجزاء، مستلزم بقا و مفید بودن اجزاء هر یک از عناصر در بقای ساخت نظام است (هلاکویی، ۱۳۵۶: ۴-۵).

از این روست که برپایی مراسم در بین تمام اقوام عناصر مشترکی دارد و در بین همه مردم رایج است. بشر نیز همواره در طول تاریخ در مناسک مختلف از عقاید و باورهای بهره می‌گرفت و با کمک اعتقادات از یک‌سو مشکلات خود را حل می‌کرد و از سوی دیگر، به زندگی امیدوار می‌گشت. تا آنجا که آرنولد وان جنپ، انسان‌شناس بلژیکی، مفهوم «مناسک گذار» را تبیین کرد. به باور وی، این مناسک در لحظه‌های

حساس زندگی انسان- که گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر است- با هدف تثبیت این گذار انجام می‌گیرد؛ از این رو، این مراحل را «بحران‌های زندگی» نیز نامیده‌اند. تغییر موقعیت‌هایی چون تولد، بلوغ، ازدواج، مرگ و ... چنان در زندگی انسان‌ها مهم بوده که اشکال مناسکی ویژه‌ای را به وجود آورده است (فکوهی، ۱۳۸۴: ۲۶۱). حنا از گذشته تاکنون، در برخی از فرهنگ‌ها و دوره‌هایی از تاریخ نقش مهمی داشته است. از بین انواع مناسک گذار (تولد، ازدواج و مرگ)، فقط مقوله ازدواج (حنای نگار بستن در شب حنابندان) در این پژوهش بررسی شده است. مشاهده فرهنگ حنا در مناطق مختلف و فرهنگ‌های گوناگون این باور را ایجاد می‌کند که نوعی کارکرد و اشاعه در موقعیت‌های خاص انجام گرفته که با تحلیل فرهنگ‌هایی که آن پدیده در آن ظاهر شده است، قابل دستیابی هستند.

۲-۳-۳. نظریه اشاعه‌گرایی

ژان پواریه، مردم‌شناس فرانسوی، معتقد است:

جوامع انسانی به صورت تفکیک‌شده از یکدیگر وجود نداشته، بلکه نوعی رفت‌وآمد و تبادل فرهنگی دائم میان آن‌ها برقرار است؛ و ثانیاً آنکه رقم پدیده‌های فرهنگی اعم از پدیده‌های مادی نظیر اشیاء و فنون عملی، و پدیده‌های معنوی، نظیر پنداره‌ها، باورها و اعتقادات، محدود است و گوناگونی آن‌ها در حقیقت نه به معنی وجود پدیده‌های مستقل از یکدیگر، بلکه به معنی وجود نمونه‌های متعدد از اصل‌های محدود است. نقطه حرکت محوری نظریه اشاعه‌گرایی، تأمل بر تغییرات فرهنگی از یک سو و توجه به شباهت‌های فرهنگی از سوی دیگر است. به عبارت دیگر سؤال نخست آن است که چرا پدیده‌های فرهنگی تغییر می‌کنند و به چه صورت تغییر می‌کنند و سؤال دوم آنکه چرا پدیده‌های فرهنگی در فرهنگ‌های متفاوت با یکدیگر شباهت دارند و میزان شباهت یا تفاوت در میان آن‌ها تا چه اندازه است و در چه اجزایی بیشتر یا کمتر دیده می‌شود؟ اشاعه‌گرایان در جست‌وجوی قوانین حرکت و جابه‌جایی زمانی و مکانی پدیده‌ها هستند (همان، ۱۴۴-۱۴۵).

بنابراین سیر جغرافیایی و تاریخی آیین حنابندان با توجه به فرهنگ‌های مختلف از گذشته تا به امروز گویای این امر است که تغییراتی در این آیین ایجاد شده است.

۴. بررسی آیین حنابندان در شهرها و روستاها

با توجه به مواردی مانند مکان، نام محلی، شمار دفعات برگزاری، نوع پذیرایی، مبالغ اهدایی، حیوان قربانی، اجزاء بدن، اعتقادات، نوع ظرف، مکان تهیه حنا، چه کسی حنا می‌بندد، اشعار و نوع موسیقی، اصطلاحات رایج محلی، وسایل همراه حنا، و کاربردهای دیگر حنا، فهرستی از کارکردهای حنا را بدین شرح آورده‌ایم:

- مکان‌های برگزاری: شامل آیین‌ورزان دماوند بخش آبسرد، بلوچستان، تهران، خراسان، رمشک، سروستان، سه‌هزار تنکابن، شوشتر، فش، کلاردشت.
- نام‌های محلی که برای مراسم حنابندان در هر منطقه از ایران انتخاب شده، بنابر فرهنگ و رسوم از گذشته تاکنون متفاوت بوده‌اند از جمله این نام‌ها می‌توان به حینابنون، انی‌بندان، حنابندان یا حنابندون و ... اشاره کرد.
- شمار دفعاتی که مراسم عروسی انجام می‌شود به طور معمول دو شب است؛ یعنی قبل از عروسی مراسم حنابندان انجام می‌گیرد که در گذشته به مدت سه روز تا یک هفته برگزار می‌شده است.
- از گذشته تاکنون پذیرایی بیشتر با شیرینی، میوه، شربت، نُقل و صرف ناهار و شام و ... همراه بوده است.
- مبالغ اهدایی شامل لباس، پول، طلا، سکه و ... بنا به وسع مالی خانواده عروس و داماد متغیر است.
- حیوان قربانی شده در بیشتر موارد گوسفند است.
- در گذشته قسمتهایی از بدن شامل کف یا نوک انگشتان دست و پا، سر، دست‌ها تا آرنج، پاها تا نزدیک زانو، از سرانگشتان تا مچ و ... حنا گذاشته می‌شد؛ ولی امروزه، تنها در کف دست عروس و داماد مقداری حنا می‌گذارند تا جایی که رنگ ندهد و پیدا نباشد.

- در مراسم حنابندان، دختر و پسر جوان از حنای داماد و عروس استفاده می‌کنند؛ زیرا معتقدند سبب بخت‌گشایی می‌شود. از دیگر رسوم و اعتقادات رایج مراسم شب حنا این است که موقع حنابستن عروس و داماد، پسر بچه‌ای حنا را از دست عروس می‌دزدد. ریختن آب بر سر عروس در حمام توسط زن شوهردار- نه زن بیوه- یا زنان ازدواج‌کرده فامیل، عمل نوره‌کردن (کندن موی حرام از پشت عروس)، نشان دادن پسر بچه در کنار عروس به امید اینکه اجاقشان روشن و اولین فرزندشان پسر باشد و ... از دیگر مواردی هستند که می‌توان در مناطق مختلف ایران مشاهده کرد.
- ظرف حنا در شب حنابندان مجمعه، دیس، ظرف بزرگ، بشقاب، طشت و ... است و امروزه خانواده داماد برای تزیین حنا به مکان‌های تهیه سفره عقد رفته و برای شب حنا سینی یا سبد تزیین حنا را سفارش می‌دهند.
- در گذشته زن سلمانی و مرد سلمانی یا همان دلاک برای عروس و داماد حنا می‌بستند و مزد این کار را از مادر داماد مطالبه می‌کردند؛ اما امروزه یکی از اقوام نزدیک از سوی خانواده داماد یا عروس حنا می‌بندد و رایج است که داماد برای عروس و عروس برای داماد حنا می‌بندد.
- مکان تهیه حنا در گذشته حمام بوده است؛ اما امروزه در اتاقی در منزل عروس و بیشتر در تالار یا مکان‌هایی که تزیینات مراسم شب حنا را برعهده دارند، حناگذاری انجام می‌شود.
- اشعار و نوع موسیقی حنابندان شامل ساز و دهل، سُرنا، داریه، تنبک، و ترانه‌های شاد شامل نازینک و لارو و جزاین‌هاست. ساز و دهل از گذشته تاکنون رایج بوده است. امروزه مراسم حنابندان و عروسی در تالارهای مجلل با نواختن سازهای مدرن برگزار می‌گردد.
- در آیین حنابندان اصطلاحات محلی کاربرد فراوان دارد. در بلوچستان «مشاطه» زنی است که مسئول بستن حنای عروس است. «کف دسی» شیرینی حنابند در سروستان است. «سرشول» در روستای سه‌هزار تنکابن، به معنی صدایی حاکی از شادی و خوشحالی و ... است.

- به همراه حنا وسایلی همچون شیرینی، میوه، کله قند، چند کیسه حنای خشک، هدیه مثل طلا یا لباس برای عروس و داماد تدارک دیده می شود.
 - حنا به جزء مصرف آیینی کاربردهای دارویی و زینتی دارد و در مراسم ختنه سوران، هنگام تولد و مرگ و ... نیز از آن استفاده می شود.
- افزون بر موارد گفته شده، می توان به نمونه های بیشتری از کارکردها و موارد مصرف حنا نیز اشاره کرد که در جدول زیر بیان می شود:

جدول ۱: کاربردهای حنا در مناطق مختلف ایران

| نام مکان | آینه ورزان دماوند بخش آب سرد | بلوچستان | تهران | خراسان | رمشک |
|--------------------------|--|---|--|--------------------------------|--|
| نام های محلی | حنا بلگک و حنا دزدی | انی بندان ^۳ | حنابندان | حنابندان | حنابندان |
| شمار دفعات برگزاری | سه شب: ۱. حنا بلگک ۲. حنا دزدی ۳. عروسی | سه شب: ۱. راستکی ^۴ ۲. دوزکی ^۵ ۳. انی بندان | دوروز: حنابندان و عروسی | دو روز: حنابندان و عروسی | سه شب: ۱. دوزکی ^۶ ۲. حکمی ظاهری ^۷ ۳. شب عروسی |
| نوع پذیرایی | شیرین پلو و یا کشمش پلو، شیرینی و شربت | شیر و چای، پلو و گوشت | شیرینی شربت و میوه، شیرین پلو | شیرینی و شربت | - |
| مبالغ اهدایی | - | شاباش (مبارکی) | - | طلا و مقداری پول | پول |
| حیوان | گوسفند | چند بز، یک رأس | گوسفند | گوسفند | گوسفند |

| | | | | | |
|---|------------------------------------|--|--|--|-------------------------|
| | | | گاو یا شتر | | قربانی |
| کف دست عروس و داماد | دست و پای عروس و داماد | کف پا و دست عروس ^۸ و دست‌ها تا آرنج و پا تا نزدیک زانوی داماد | دست و پای عروس و دست و پای داماد | سر، دست و پای عروس و کف دست داماد | اجزاء بدن برای حناگذاری |
| بخت‌گشایی دختران | عمل نوره ^۹ و بخت‌گشایی | برداشتن نقل‌ها و شاهی سفید از زمین به نشانه خوش‌یمن بودن | | - | اعتقادات |
| - | طشت | هفت تا چهل جام برنجی یا نقره‌ای ^{۱۰} | داخل یک ظرف بزرگ یا دیس | «مجوم‌هنا» مجموعه مسین | نوع ظرف |
| اتاق | سربینه برای عروس و حمام برای داماد | اتاقک و حمام | وسط مجلس حنابندان | حمام | مکان تهیه حنا |
| خواهر عروس به دست داماد خواهر داماد به دست عروس | دلاک برای عروس و داماد | دلاک | مُشاطه ^{۱۳} و جَت ^{۱۴} | زن جوان یک بخته ^{۱۱} برای عروس و ساقدوش‌ها ^{۱۲} برای داماد | چه کسی حنا می‌بندد |

| | | | | | |
|--------------------|------------------------------|---|--|--------------------------------------|--------------------|
| اشعار و نوع موسیقی | - | ترانه‌های شاد نازینک ^{۱۵} ، هالو ^{۱۶} ، لارو ^{۱۷} توسط لوری‌ها یا (نوازندگان) | داریه و دنبک | ساز و دهل و آهنگ های محلی | - |
| اصطلاحات رایج محلی | - | کارچ ^{۱۸} بجار ^{۱۹} | سرانگشتی ^{۲۰} ، خفتی شدن ^{۲۱} ، حنای سر عروس ^{۲۲} ، حنای سی تبارک ^{۲۳} | قرق کردن حمام ^{۲۴} | - |
| وسایل همراه حنا | مجموم حنا بلگک ^{۲۵} | روغن، شکر، آرد، چای، برنج و حبوبات | شمع‌های رنگارنگ و سکه و زر و سیم | چند کیسه حنا، چادر، کله قند و شیرینی | - |
| کاربردهای دیگر حنا | - | درمان محلی با داروهای سنتی در بلوچستان ^{۲۶} ، ختنه سوران ^{۲۷} ، قالی بافی ^{۲۸} | پیاله مسی و سنگ حنابندان ^{۲۹} ، شکستن عزا ^{۳۰} | - | - |
| منبع | (جاوید، ۱۳۸۲: ۳۹). | (افشارسیستانی، ۱۳۷۱: ۳۸۱-۳۸۲). | (کتیرایی، ۱۳۴۸: ۱۷۳-۱۷۷). | (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۱۸۳-۱۸۹). | (جاوید، ۱۳۸۲: ۷۷). |

| نام مکان | سروستان | سه‌هزار تنکابن | شوستر | فش | کلاردشت |
|-------------------------|---|--|---|--------------------------------|--|
| نام‌های محلی | حنابندون | حنابندان | گتون و نون ^{۳۱} ، دس، رزون ^{۳۲} | حنابندان | حنابنون |
| شمار دفعات برگزاری | دو روز: حنابندان و عروسی | یک شب قبل از عروسی | قبل از مراسم عروسی | شب اول حنابندان و شب آخر عروسی | چهار روز: ۱. هیمه بار ^{۳۳} ۲. خرج بار ^{۳۴} و حنابنون ۳. عروسی ۴. سوزنه ^{۳۵} |
| نوع پذیرایی | خورش قیمه یا سبزی یا بادمجان، قورمه زیربندی ^{۳۶} | میوه و شیرینی مرغ بریان و غذاهای متنوع | قهوه و شیرینی، مرغ بریان و غذاهای متنوع | چای، میوه و شیرینی، صرف ناهار | صرف ناهار |
| مبالغ اهدایی | پول | پول و کادو | - | پول و کادو | پول یا لوازم خانگی |
| حیوان قربانی | - | گوسفند | مرغ یا گوسفند | - | - |
| اجزاء بدن برای حناگذاری | اول سر، بعد پاها، و در پایان همه دست‌های عروس و داماد | کف دست‌های عروس و داماد | دست عروس و دست و پای داماد | دست و پای عروس و کف دست داماد | دست‌های داماد و سپس عروس |

| | | | | | |
|--------------------------|--|-------------------------------|---|---|---|
| اعتقادات | - | گذاشتن سکه در بشقاب حنا | - | رخت بران ^{۳۷} ، پرتاب سکه ^{۳۸} ، نقل ^{۳۹} ، میوه ^{۴۰} و شیرینی، مراسم گرز آتشین ^{۴۱} ، دختر حمام ^{۴۲} ، یرق داماد ^{۴۳} | گذاشتن پسرپچه یک تا دو ساله در آغوش عروس تا صاحب فرزند پسر شود. |
| نوع ظرف | مهیجومه (مجمعه‌های مسین) | یا مجمعه سینی بزرگ | کاسه‌های حنا | مجمعه‌ای | - |
| مکان تهیه حنا | اتاق | حمام | در منزل عروس و داماد و در اتاقی جداگانه | حمام خانه داماد | - |
| چه کسی حنا می بندد | حنابند یا مشاطه برای عروس، سلمانی و گاہ حنابند برای داماد | ساقدوش یا | عده‌ای از زنان فامیل عروس و عده‌ای از زنان فامیل داماد | برادر داماد یا (ساقدوش) | - |
| اشعار و نوع موسیقی | واسونک | - | - | - | ساز و دهل، ارگ و سنتور، سُرنا (ساز سستی کلاردشت) |

| | | | | |
|-----------------------|--|--|---|---------------------------------------|
| اصطلاحات رایج محلی | سرشول ^{۴۸} ، روشن کردن چهل چراغ ^{۴۹} ، بخت آو ^{۵۰} ، پول کنداسری ^{۵۱} ، نار انداختن ^{۵۲} ، خرج بار ^{۵۳} | دلاله ^{۵۴} ، نُشته و نون (نشانه گذاری) ^{۵۵} ، دست رژون ^{۵۶} یا (حنا گذارند). | رخت بران، دختر حمام، گرزآتشین، یرق داماد | زومابرار ^{۵۷} ، زناری |
| وسایل همراه حنا | مقداری حنای حل شده، یک بالش، یک بشقاب نقل، چهار دستمال بزرگ و یک سربند سرخ خون کفتری مشهور به حنابند | مقداری شیرینی، قند و یک کاسه حنا و دست‌بند یا انگشتی طلا طلا | کله‌قند، میوه و شیرینی، لباس، لوازم آرایشی، طلا و کالاهای دیگر | - |
| کاربردهای دیگر حنا | پزشکی و طبابت و حکمت عامیانه ^{۵۸} ، سورونی ^{۵۹} | - | - | - |
| منبع | (همایونی، -۵۴۲ : ۱۳۷۱ ۴۵۸ ، ۵۴۵ ، ۳۳۱-۳۳۲) | (ابوالقاسمی و دیگران، ۱۳۷۶ ، ۱۰۹-۱۱۱) | (تقی‌زاده، : ۱۳۷۶ ، ۲۴۶-۲۵۱) | (فشی، -۳۸ : ۱۳۸۴ ، ۴۰ ، ۲۹۴) |

نمونه‌ای از اشعار حنابند:

به دست و پات می‌بندم من حنا را به انگشتت کنم حلقه طلا را
زیارت می‌روم شاه رضا را بیوسم گنبد زرد طلا را

(جاوید، ۱۳۸۲: ۴۰)

۵. نتیجه‌گیری

بی‌تردید حنابندان از کهن‌ترین جشن‌های آیینی و از ارکان فرهنگ و تاریخ قومیت‌های ایران است که از گذشته تاکنون به شکل باشکوهی برگزار می‌شود. این آیین از سنت‌های باقی‌مانده میان دو دنیای شرق و غرب است که با وجود تفاوت‌های ظاهری، تشابهاتی در فلسفه وجودی و ماندگاری آن دیده می‌شود و البته وجوه اشتراک و تشابهاتش بر وجه تمایز آن غالب است و تنها عنصر متمایزکننده آن، واژه‌ها و اصطلاحات محلی هستند. آیین حنابندان با اشاعه فرهنگی و با هدف تداوم بین قومیت‌های ایران برگزار می‌شود که البته در طی قرون گذشته با تغییراتی همراه بوده است، برای مثال در گذشته مکان حناگذاری عروس و داماد حمام بود و زن یا مرد دلاک (سلمانی) برای عروس و داماد حنا می‌گذاشتند که امروزه به شکل نمادین در تالار یا منزل عروس و با گذاشتن اندکی حنا توسط عروس و داماد در کف دست یکدیگر انجام می‌شود.

نگارندگان با استفاده از نظریه اشاعه‌گرایی و کارکردگرایی به توضیح و تحلیل مراسم حنابندان در ۱۰ منطقه ایران پرداخته‌اند. مراسم عروسی از جمله حنابندان با ورود تکنولوژی‌های جدید رنگ و بوی دیگری یافته و برگزاری جشن حنابندان و عروسی در یک شب از رونق حنابندان کاسته است. به نظر می‌رسد این سنت در بین روستاییان با پابندی بیشتری برگزار می‌گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. زیرپایی حنابندان از سنگ مرمر به‌گونه‌ای که از دو زاویه دیده می‌شود و هنگام حنابستن مورد استفاده قرار می‌گرفت. در این شکل‌ها یک زیرپایی مرمر را از دو زاویه می‌بینید. در شکل اول

بررسی آیین حنابندان از دیرباز تاکنون _____ جلال‌الدین رفیع‌فر و همکار

سطح بالایی حنابند دیده می‌شود که طرفین آن با دو گل کوب تزئین شده است. بعد از این دو گل، دو قوس ساده به نسبت گود وجود دارد که جای پاهاست و بعد از حنابستن، پاها را روی آن می‌گذاشتند تا کف پا با زمین تماس پیدا نکند. گودی وسط این زیرپایی نیز جایی برای خمیر حنا یا آب است (شاملو، ۱۳۷۶: ۱۳۸۹).

۲. «یک حنابند مخصوص عروس، که قطعه‌ای پارچه قلمکار است با تک‌بوته‌های زیبا، و روی آن در کمال ظرافت ملیله‌دوزی و پولک‌دوزی شده، و از نظر طرح و رنگ و دقت در ملیله‌دوزی بسیار زیباست. حنابند تزئینات بسیار جالبی داشت. به‌خصوص حنابندهایی که مخصوص عروس‌ها بود» (همان، ۱۳۹۰).

۳. در بلوچستان حنابندان به گویش محلی «انی‌بندان» نام دارد (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۳۸۱).

۴. در شب «رستوکی» عروس و داماد را در دو محل جداگانه به نام «جُل» نگه می‌دارند. ممکن است که این دو شب تا یک هفته هم به طول بکشد. این مراسم نیز اکنون معمول است و در میان بلوچان به جل معروف است (همانجا).

۵. در شب دوزوکی نیز عروس و داماد را در دو محل جداگانه به نام جُل نگهداری می‌کنند، ممکن است که این دو شب تا یک هفته هم به طول بکشد (همانجا).

۶. از طرف خانواده داماد مقداری حنا به خانه عروس فرستاده می‌شود. در این شب فقط اقوام نزدیک عروس و داماد در خانه پدر دختر جمع می‌شوند و مشاطه (آرایشگر) مقداری حنا به کف دست عروس می‌گذارد (جاوید، ۱۳۸۲: ۷۷).

۷. شب دوم حنابندان را حکمی ظاهری می‌گویند که به تعداد مهمان‌ها افزوده می‌شود. در این شب نیز مانند سایر شب‌ها به کف پای عروس حنا می‌گذارند (همانجا).

۸. به روایت ماهوش خانم: عروس را روی تشک می‌خوابانند و پاهایش را دراز می‌کردند و پاشنه‌های پایش را روی دو چهارپایه کوچک می‌گذاشتند و کف پاهایش را حنا می‌بستند. این حنای کف پا را «حنای نگار» می‌گفتند. بعضی‌ها بر کف پای عروس تصاویر گل و بوته و گنجشک و پروانه نقش می‌کردند (کتیرایی، ۱۳۴۸: ۱۷۴).

۹. در حمام ابتدا عروس را به دواخته می‌برند و از مهره گردن تا استخوان دنبالچه‌اش را نوره می‌مالند. این عمل برای آن است تا موی شیطان یا موی حرام از پشت او کنده شود. پس از آن عروس را در

- حمام شست‌وشو می‌دهند، سپس او را در کف حمام می‌نشانند. طشتی حنا درست می‌کنند و شمع روشنی را در وسط آن قرار می‌دهند (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۱۸۴).
۱۰. به روایت ماه‌وش خانم: خانواده داماد در هفت تا چهل جام برنجی یا نقره‌ای، حنا خیس می‌کردند و روی حناها سکه، زر و سیم می‌چسبانند و آن‌ها را در خوانچه می‌نهادند و دور تا دور جام‌ها را شمع‌های رنگارنگ روشن می‌کردند و به خانه عروس می‌فرستادند (کتیرایی، ۱۳۴۸: ۱۷۳).
۱۱. چند زن جوان خوشبخت و در اصطلاح زن جوان «یک‌بخته» را انتخاب می‌کنند و در این انتخاب میزان اهل عفاف و دیندار بودن، سعادت در زندگی، سیده بودن و نجابت است. این زنان عروس را به حمام برده و با شادی خاصی سر، دست و پای او را حنا می‌بندند (جاوید، ۱۳۸۲: ۳۹).
۱۲. ساق‌دوش‌ها نیز از میان دوستان خوش‌نام، سعادت‌مند، دیندار و ترجیحاً سید انتخاب می‌شوند. آنان در دو سوی داماد روی صندلی می‌نشینند (همانجا).
۱۳. زنی که مسئول حنابندانی عروس است، «مُشاطه» نام دارد (افشار سیستانی، ۱۳۷۱: ۳۸۲).
۱۴. زنی که مسئول حنابندانی مرد است، «جَت» نام دارد (همانجا).
۱۵. لوری‌ها (نوازندگان) در این روزها ترانه شاد «نازینک» را - که در وصف عروس است - می‌خوانند. در منزل داماد هم آهنگ‌هایی در ستایش داماد اجرا می‌شود (همان، ۳۸۱).
۱۶. در هنگام استحمام داماد - که به گویش محلی «جان شُود» یا «سرِ آبی برین» گویند - ترانه‌های شادی به نام «هالو» خوانده می‌شود (همان، ۳۸۲).
۱۷. در مراسم عقد «نی کج» ترانه شاد «لارو» خوانده می‌شود (همان، ۳۸۳).
۱۸. روز سوم دعوت‌شدگان به خانه پدر عروس می‌آیند. در آخر شب تختی در وسط مجلس قرار می‌دهند و روی آن را با تشک (نالی)، لحاف (لیپ) و بالش می‌پوشانند و سپس داماد را روی آن می‌خوابانند و در این حالت به دست و پای او حنا می‌بندند. در این مراسم داماد باید کاردی را که به گویش بلوچی «کارچ» گویند، به کمر خود ببندد (همان، ۳۸۲).
۱۹. یکی از پسندیده‌ترین سنت‌های مردم بلوچ، موضوع «بجار» است. بجار به معنای کمک و همراهی مادی با جوانی است که می‌خواهد ازدواج کند و خانواده‌ای تشکیل دهد. این رسم مفید را بزرگان

بررسی آیین حنابندان از دیرباز تاکنون _____ جلال‌الدین رفیع‌فر و همکار

بلوچ عمومیت داده‌اند تا موجب خجالت جوانان محتاج نشود. مبلغ بجار به میزان دارایی و همت هر فرد بستگی دارد و هیچ کس از پرداخت آن معاف نیست (همان، ۳۸۰-۳۸۱).

۲۰. برای سرانگشتی کردن، حنا را که به شکل خمیرِ سفتی درآورده بودند، روی انگشت می‌مالیدند و سرانگشت را با پارچه‌ای از شله‌سرخ - که به شکل سه‌گوشه دوخته بودند - می‌پوشاندند. آن‌گاه روی آن را با نخ می‌بستند. نخ سرانگشتی را از بازار علاقبندها می‌خریدند و آن قبطان‌های نازکی بود. در نتیجه این کار خفتی سفت و محکم می‌شد (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۱۷۴).

۲۱. پس از آنکه خفتی سفت و محکم می‌شد، علاقبندها آن را چنان درست می‌کردند که یک لای سرانگشتی بلند و یک لای دیگرش کوتاه می‌شد و این دولا را که می‌کشیدند سفت می‌شد. به این کشیدن هم «خفتی‌شدن» می‌گفتند (همانجا).

۲۲. از حنای سر عروس به قدر یک فندق برمی‌داشتند و با رنگ و حنا قاطی می‌کردند و بر سر دخترهای خانه‌مانده می‌بستند تا بختشان باز شود (کتیرایی، ۱۳۴۸: ۹۵).

۲۳. به روایت ماه‌وش خانم: از اول ماه رمضان روزی یک‌بار سوره تبارک را می‌خواندند و به یک مشت حنا فوت می‌کردند. شب عید ماه رمضان (فطر) حنای سی تبارک را به سر دختر دم بخت می‌بستند که تا عید دیگر بخت او باز شود (همان، ۹۸).

۲۴. وقتی عروس را برای اصلاح به آرایشگاه بردند، چند تن از خویشان داماد یک طشت حنا و چند قالب صابون و مقداری شیرینی و پول به خانه عروس می‌برند و حمام قرق می‌شود؛ یعنی به‌جزء عروس و همراهانش کسی اجازه ورود به آنجا را ندارد (شکورزاده، ۱۳۶۳: ۱۸۳).

۲۵. این مجوم را تنی چند از خانواده عروس از پیش آماده کرده‌اند؛ بدین شکل که دو چوب نرم را کمان‌وار در مجمعه تعبیه می‌کنند، به‌گونه‌ای که رأس آن‌ها با یکدیگر تماس متقاطع دارد. به این چوب‌ها جارهای رنگی و میوه‌های فصلی می‌آویزند و آن را با برگ‌های سوزنی سبز تزئین می‌کنند، سپس در میان کف مجمعه یک ظرف شیرینی، یک بشقاب حنا، یک دستمال ابریشمی و یک جفت جوراب مردانه می‌گذارند. این مجموعه آماده‌شده را مجوم حنا «بَلْگَک» می‌نامند که آن را شخصی روی سر می‌نهد و جوانان ترانه‌خوان و هلله‌کنان به دنبال او راه می‌افتند (جاوید، ۱۳۸۲: ۳۹).

۲۶. یکی از رسوم بلوچ‌ها، استفاده از داروهای سنتی برای درمان بیماری‌هاست، برای مثال برای درمان کچلی روغن مندو (منداب) را با حنا، گوگرد، دودچر (دوده‌ای که از اثر آتش و چراغ به تن حصیر گیر می‌بندد) به سر می‌مالند (میرنیا، ۱۳۶۹: ۲۵۰).

۲۷. مردم بلوچستان مراسم ختنه‌سوران را «سنت‌کردن» می‌گویند و از نزدیکان و اقوام دعوت می‌کنند تا در مراسم رقص و پای‌کوبی شرکت کنند. پس از صرف شام تختی در وسط مجلس می‌گذارند و پسری را که باید ختنه شود، بر روی آن قرار می‌دهند. سپس یکی از زنان دست و پای او را حنا می‌بندد و زنان در ظرفی که جلو پسر قرار دارد، پول می‌ریزند؛ این پول‌ها را زنی بر می‌دارد که به دست و پای پسر حنا گذارده است (افشارسیستانی، ۱۳۷۱: ۳۸۶).

۲۸. قالی‌بافی یکی از صنایع دستی بانوان عشایر بلوچستان است. رنگ‌هایی که در قالیچه‌های بلوچ به کار برده می‌شود، بیشتر طبیعی و از نیل، روناس، پوست گردو و برگ بید (رنگ زرد) به دست می‌آید؛ بدین ترتیب که از نیل و برگ بید، رنگ سبز و از حنا، رنگ نارنجی تهیه می‌شود (همان، ۴۵۳).

۲۹. برخی از اقلام جهیزیه عروس یک جفت پیاله مسین - که در یکی رنگ و در دیگری حنا خمیر می‌کردند و آن‌ها را روی هم پیاله رنگ و حنا می‌نامیدند - و یک سنگ حنابندان بود که آن را فقط اعیان می‌فرستادند (کتیرایی، ۱۳۴۸: ۱۶۷).

۳۰. به روایتی یکی از دوستان ریش سفید خانواده سوگوار به بزرگسالان آن خانواده تکلیف می‌کرد تا لباس سیاه را درآورند و برای آن خانواده قواره‌های پارچه را مناسب با وضعیت آنان می‌فرستاد. به این پارچه‌ها خلعتی می‌گفتند و اگر ریش سفید پسر داشت او را مأمور می‌کرد تا همسالان خود را به حمام ببرد و آن‌ها را حنا ببندد و از عزا درآورد. در حمام رخت‌های سیاه را می‌کنند و جای آن رخت معمولی می‌پوشیدند و اگر ریششان در این مدت از دیدن رنگ و حنا قوس‌قزحی دیده بود، آن را رنگ می‌کردند و با این شیوه از سیاهی و عزا بیرون می‌آمدند (همان، ۲۶۰-۲۶۲).

۳۱. چند روز پیش از فرا رسیدن عروسی، عده‌ای از زنان فامیل داماد، هر روز بعد از ظهر به خانه عروس می‌رفتند و مقداری حنا در دست وی می‌گذاشتند که در اصطلاح محلی آن را «کتون و نون» می‌گفتند (تقی‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۴۸).

بررسی آیین حنابندان از دیرباز تاکنون _____ جلال‌الدین رفیع‌فر و همکار

۳۲. یک شب قبل از عروسی نیز بر دست و پای داماد حنا می‌گذاشتند که آن را «دَس رَزُون» می‌گفتند (همانجا).

۳۳. نخستین روز عروسی در گذشته روز «همه‌بار» نامیده می‌شد و سبب نام‌گذاری آن نیز این بود که خویشان و خانواده داماد برای تدارک و تأمین هیزم و همه برای سوخت و آشپزی عروسی داوطلبانه کمک می‌کردند (ملک‌پور، ۱۳۷۷: ۲۹۱).

۳۴. روز دوم عروسی را روز خرج بار می‌خوانند. خانواده داماد در این روز اقلام و اجناسی را که برای جشن عروسی تعهد کرده بود، به خانواده عروس تحویل می‌دهد (همانجا).

۳۵. روز چهارم عروسی - که در واقع آخرین روز این مراسم است - به «سور زنه» شهرت یافته است. در این روز مادر و زنان خویشاوند عروس به خانه جدید زوج جوان می‌روند و ناهار را میهمان آن‌ها می‌شوند (همان، ۲۹۴).

۳۶. قورمه زیربندی از خانه داماد چند زن به خانه عروس می‌آیند و مقداری دویازه گوشتی که غذایی است از سیب‌زمینی، گوشت و پیاز و بیشتر زرده تخم‌مرغ و مقداری نان با خود می‌آورند و همه سوری‌ها و نیز عروس از آن می‌خورند (همایونی، ۱۳۷۱: ۵۴۵).

۳۷. روز عروسی کادوهای خلعتی را که با توافق قبلی خریداری شده بود، به افراد مورد نظر به‌عنوان هدیه عروس و داماد می‌دهند. به این مراسم «رخت‌بران» می‌گویند (فشی، ۱۳۸۴: ۳۸).

۳۸. در هنگام رقص و شادی داماد سکه‌هایی را پرتاب می‌کند. جوانان نیز به طرف سکه و شیرینی هجوم می‌برند و معتقدند که سکه عروسی باعث می‌شود سال پربرکتی داشته باشند (همان، ۴۰).

۳۹. نقل و شیرینی باعث می‌شود سالی سرشار از نیک‌کامی و بدون حادثه در پیش رو داشته باشند (همانجا).

۴۰. میوه هم باعث می‌شود سالی پر بار در انتظار باغ و بوستان باشد و این مراسم تا غروب ادامه دارد (همانجا).

۴۱. قبل از مراسم حنابندان، داماد به همراه رفقا و برادرش (ساقدوش) به حمام می‌رود و دیگر دوستان و آشنایان پارچه‌هایی را به چوب بلندی می‌بندند و هنگام خروج داماد از حمام، آن را آتش زده و شادی‌کنان دور داماد می‌چرخند و می‌رقصند. به این مراسم «گراز آتشین» می‌گویند (همان، ۳۸).

۴۲. سپیده دم روز دوم عروسی، مراسمی به نام «دخترحمام» اجرا می‌شود. دختران جوان به همراه عروس به حمام می‌روند و معتقدند برای بخت آن‌ها خوش‌یمن است (همان، ۳۹).
۴۳. گروهی از طرف خانواده داماد همراه با رقص و شادی به خانه عروس می‌روند تا وسایلی را که از طرف مادر عروس تهیه و آماده شده و «یرق داماد» گفته می‌شود، به خانه داماد ببرند (همانجا).
۴۴. دوستان و اقوام و بستگان داماد نیز بسته به توانایی خویش و احترامی که برای داماد قائل‌اند، سکه یا اسکناسی را کف دست داماد می‌گذارند و این را «کف دسی» می‌گویند که همان شیرینی حنابند است. حنابند همه پول‌ها را بر می‌دارد، بی‌آنکه بشمارد در جیب خودش می‌ریزد و حنابندان شروع می‌شود (همایونی، ۱۳۷۱: ۵۴۳).
۴۵. سه زن عروس را به حمام می‌برند. عروس را کیسه می‌کشند و موهای زائد بدنش را با واجبی - که مخلوطی از آهک و زرنیخ است - می‌زدایند. چون این حمام پنهانی است آن را حمام دزه می‌گویند (همان، ۵۴۲).
۴۶. مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند و فریاد شادی می‌کشند. آن‌هایی که دستمال ندارند به جای دستمال کلاهشان را در دست می‌گیرند و تکان می‌دهند و آن‌ها هم که نه دستمال دارند و نه کلاه، چوبی را یک‌دستی گرفته و فریاد می‌کشند: «شباش شباش» (همان، ۵۴۵).
۴۷. دسته دیگر پاسخ می‌دهند «اروشباش» و زنان نیز با اشتیاق کل می‌زنند (همانجا).
۴۸. بعد از صرف شام، داماد به همراه ساقدوش و فامیل‌های نزدیک و جوانان محل به خانه عروس می‌روند. وقتی که نزدیک منزل عروس شدند، به اصطلاح «سرسول» می‌کشند، یعنی صدایی حاکی از شادی و خوشحالی سر می‌دهند (ابوالقاسمی و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۰۹).
۴۹. آنچه در این‌جا جالب است، روشن کردن چهل چراغ است. بدین صورت که با نخ و موم شمعی‌هایی درست می‌کنند و با چوب، مخروط بزرگی درست کرده و حدود چهل عدد شمع به این مخروط وصل می‌کنند، میوه‌هایی مثل پرتقال یا سیب نیز به انتهای چوب‌ها فرو می‌کنند و آن را داخل سینی بزرگ می‌گذارند. از زمانی که چهل چراغ را روشن می‌کنند، مراسم حنابندان نیز شروع می‌شود و تا پایان سوختن شمع‌ها، مراسم حنابندان هم تمام می‌شود (همان، ۱۱۰).

بررسی آیین حنابندان از دیرباز تاکنون _____ جلال‌الدین رفیع‌فر و همکار

۵۰. حدود ساعت ۱۰ صبح، شخصی مشغول اصلاح موی سر و صورت داماد می‌شود. بعد از آن داماد به حمام می‌رود و «بخت‌آو» (آب‌بخت) می‌زند، لباس دامادی می‌پوشد و توسط ساقدوش به مجلس راهنمایی می‌شود (همانجا).

۵۱. وقتی عروس را از در خانه پدری بیرون می‌آورند، اقوام نزدیک یا برادر عروس جلو راه را می‌بندند، داماد یا ساقدوش باید پولی بپردازد تا به عروس اجازه خروج داده شود که به آن پول «کنداسری» می‌گویند (همان، ۱۱۱).

۵۲. وقتی عروس از خانه پدری خارج می‌شود، داماد و ساقدوش به استقبال عروس می‌روند. داماد برای عروس «نار» می‌اندازد، یعنی چند تا سیب، پرتقال یا انار، گلوله‌های حلوا- که در دستمالی پیچیده شده- و سکه‌های پول و نقل را از بالای سر عروس پرتاب می‌کند. تماشاگران و همراهان برای گرفتن آنها هجوم می‌برند (همانجا).

۵۳. دو روز مانده به عروسی از طرف داماد، برای مخارج عروسی «خرج بار»- که بیشتر شامل برنج، یک «گوشتی» (گوسفند نر)، یک بار هیزم، روغن گاوی یا گوسفندی، کشمش، لپه و مغز گردو و غیره است- به خانه عروس برده می‌شود (همان، ۱۰۹).

۵۴. پس از اینکه خانواده پسر به فکر انتخاب همسری برای فرزندشان می‌افتادند، پیش از هرچیز «دلاله‌ها» دست‌به‌کار می‌شدند؛ به این شکل که چند نفر زن از نزدیکان خانواده پسر که آنها را دلاله می‌گفتند، مأموریت می‌یافتند تا دختری مناسب برای پسر پیدا کنند (تقی‌زاده، ۱۳۷۶: ۲۴۶).

۵۵. «نُشَنَه وَ نُونی سبیت گرم برازه» و دسته دیگر پاسخ می‌دادند: «اولاً برازه». سپس دست‌های عروس را حناگذاری می‌کردند و انگشتر یا دستبندی را که همراه خود آورده بودند به او هدیه می‌دادند (همان، ۲۴۷).

۵۶. چند روز پیش از برگزاری مراسم عروسی، چند نفر از زنان خانواده داماد در حالی که مقداری شیرینی و کاسه‌ای حنا همراه خود دارند، به منازل فامیل و دوستان می‌روند و از آنان دعوت به عمل می‌آورند (همان، ۲۴۸).

۵۷. در تمام این مراسم داماد را فرد دیگری همراهی می‌کند که در این جا «زوماپرار» و در دیگر شهرها ساقدوش نامیده می‌شود (ملک‌پور، ۱۳۷۷: ۲۹۱).

۵۸. حنا خنک است و برای جلوگیری موخوره هم خوب است (همایونی، ۱۳۷۱: ۳۳۱). اگر کف پا درد بگیرد یا به سوزش بیفتد باید اول حنا ببندند، اگر معالجه نشد اسفزه و قدری نمک و آرد جو را مخلوط کنند و به صورت خمیر کف پا بمالند (همان، ۳۳۲).

۵۹. مراسم ختنه‌سورون ممکن است دو روز طول بکشد. روز اول طبل و دهل نواخته می‌شود. در این روز زنان می‌خوانند و می‌رقصند. شب با مراسمی که برای حنابندان دامادها مقرر است با واسونک و کف‌زدن با دست‌حنایی و شوخی و رقص، بچه را حنا می‌بندند. فردا هم او را به حمام می‌برند و موقع بیرون آمدن از حمام او را سوار بر اسب تزئین شده‌ای می‌کنند و عصر دلاک برای ختنه‌کردن آماده می‌شود (همان، ۴۵۸).

منابع

- ابوالقاسمی، بیژن و دیگران (۱۳۷۶). سه هزار دهستانی از تنکابن (از دیروز تا امروز). تهران: قائم نوین.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۱). بلوچستان و تمدن دیرینه آن. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۵). مقدس و نامقدس. ترجمه نصرت‌الله زنگویی. تهران: سروش.
- تقی‌زاده، محمد (۱۳۷۶). شوشتر در گذر تاریخ. قم: دارالکتاب.
- جاوید، هوشنگ (۱۳۸۲). «فرهنگ مردم: نگرش به آیین پیوند». عروس هنر. ش ۲۶. صص ۳۸-۴۱.
- ----- (۱۳۸۲). «فرهنگ مردم». عروس هنر. ش ۲۷. صص ۷۶-۷۷.
- راوندی، مرتضی (۱۳۷۱). تاریخ اجتماعی ایران. ج ۶. تهران: نگاه.
- رجبی، محمود و دیگران (۱۳۷۸). تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام. تهران: سمت.
- رنه دالمانی، هانری (۱۳۳۵). سفرنامه از خراسان تا بختیاری. ترجمه فره‌وشی. تهران: گیلان.
- شاملو، احمد (۱۳۷۶). کتاب کوچه. با همکاری آیدا سرکیسیان. حرف «الف». دفتر پنجم. تهران: مازیار.

بررسی آیین حنابندان از دیرباز تاکنون _____ جلال‌الدین رفیع‌فر و همکار

- شکورزاده، ابراهیم (۱۳۶۳). *عقاید و رسوم مردم خراسان*. تهران: سروش.
- فشی، آریا (۱۳۸۴). *فش در گذر تاریخ و فرهنگ*. تهران: صوفیان.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴). *تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نی.
- کارلاسرنا، مادام (۱۳۶۲). *سفرنامه (آدم‌ها و آیین‌ها در ایران)*. ترجمه علی اصغر سعیدی. تهران: زوار.
- کتیرایی، محمود (۱۳۴۸). *از خشت تا خشت*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- ملک‌پور، علی (۱۳۷۷). *کلاردشت (جغرافیا، تاریخ و فرهنگ)*. تهران: فکرنو.
- میرنیا، سیدعلی (۱۳۶۹). *فرهنگ مردم ایران*. تهران: پارسا.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۷۰-۱۳۷۹). *زن ایرانی به روایت سفرنامه‌نویسان فرنگی*. تهران: آفرینش.
- هلاکویی، فرهنگ (۱۳۵۶). *جامعه امروز*. تهران: زوار.
- همایونی، صادق (۱۳۷۱). *فرهنگ مردم سرستان*. مقدمه از س. ا. انجوی (نجوا). مشهد: به‌نشر.

Monger, George (2004). **Marriage Customs Of The World : Frome Henna To HoneyMoons**. Oxford/England.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی